نگاهی به کتاب «عجایب عالم» اثر پرویز تناولی

عجایب خلقتی دیدم در این شهر

علیرضا امیرحاجبی

عجایب‌نامه‌ها نوعی از روایت‌های داستانی هستند که سری در واقعیت و سری در اوهام و تخیل دارند. حدومرز این تخیل به خرافه نیز می‌رسد. این عبور از حدود عقلانی که در سنت روایتگری‌های ایرانی بخش مهمی را به خود اختصاص داده تیغی است دو لبه که هم می‌تواند مورد استفاده و هم سوءاستفاده قرار گیرد. خوانش این روایت‌ها با اندیشه امروزی ما که انتقادی نیز هست می‌تواند در جهت بهتر شناخته شدن ادبیات شفاهی و غیرشفاهی کمک بزرگی باشد. روش‌های امروزین بررسی، شناخت و سپس ارایه اینگونه آثار، بسیار متعدد و متنوع است. از نوشتن نقد، تحلیل و گزارش گرفته تا ارایه آکادمیک برخی متون به عنوان رساله و از این دست، اما روش‌های دیگری نیز برای پی بردن به نوع نگاه خالقان و نویسندگان اینگونه کتاب‌ها نیز وجود دارد و آن بازسازی و به نوعی ترجمه معاصر آثار به زبانی امروزی و البته هنری است. حال پرسش این است که چگونه می‌توان در حوزه هنر از جمله نقاشی، تصویرسازی و سایر رشته‌های تجسمی دست به چنین خلاقیتی زد. هنرمندان نهضت سقاخانه سال‌ها پیش با به راه انداختن این موج تاثیرگذار بر هنر ایران به این پرسش پاسخ‌هایی داده‌اند.

این هنرمندان با بهره‌گیری از تمامی عناصر بصری، تزیینی و سازنده آثار کاربردی یا هنری گذشتگان سعی بر بازآفرینی شکلی جدید از هنر داشتند که هم واجد ویژگی‌های مدرن باشد و هم ایرانی و هم میراثی از گذشته هنر و فرهنگ ایران را در خود جای داده باشد. کار بسیار سختی بود و البته می‌توان گفت که این نهضت در تمامی لحظه‌ها و آثار نیز کاملا موفق نبود اما در یک جمع‌بندی می‌توان تاثیر این گروه برجسته بر هنر مابعد خود را شایسته و قدرتمند ارزیابی کرد.

یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت این گروه درک صحیح از موقعیت و ویژگی‌های بصری عناصر تزیینی و بصری در صنایع دستی و هنرهای کاربردی در ایران بود. به این معنی که صرفا با اعلام ایرانی بودنشان دست به خلق آثار شتابزده با ترکیب‌های ضعیف و سطحی نمی‌زدند. این نوع سطحی‌نگری‌های هنری از سال‌ها پیش به وفور در هنر و ادب ایران دیده شده است که با الحاق عناصری ایرانی یا شرقی سعی بر این دارند که کار خود را ریشه‌گرفته از هنر کهن ایران نشان دهند. دوتا بته‌وجقه، دوتا طرح اسلیمی یا کپی‌برداری‌های سطحی از روی فرش‌های ایرانی یا معماری و سپس کمی هم گل و مرغ یا کاشی‌های عتیقه ایرانی و بعد از موضوعی معاصر مثل خود نقاش یا دوستانی، نزدیکانی و ... البته خطاطی را به هیچ‌وجه نباید از قلم انداخت.

هیچ‌کدام از این روش‌ها در آثار هنرمندان برجسته مکتب سقاخانه جایی نداشت. نه در نقاشیخط‌های مرحوم استاد فرامرز پیلارام و نه در آثار حسین زنده‌رودی و نه در مجسمه‌های تاثیرگذار پرویز تناولی. هیچ‌کدام از این هنرمندان سعی بر حقنه‌کردن ملیت، هویت و اصالت‌های خود نداشتند که اگر چنین بود نه جهانی می‌شدند نه در ایران جایگاهی منحصربه‌فرد می‌یافتند.

در این بین پرویز تناولی از جایگاهی ویژه برخوردار است. هنرمندی که با مجسمه‌های شگفت‌انگیزش که سبکی تازه از زیباشناسی را به مخاطب معرفی می‌کند، باعث شده تا برگی زرین در کتاب قطور هنر ایران باز شود. در جایی نوشته بودم که بدون اغراق بخشی از هنر معاصر ایران مدیون هنرمندانی مانند تناولی است. تناولی تنها به مجسمه‌سازی نمی‌پردازد و به مانند هر هنرمند اصیلی مواد و رسانه‌های مختلف را برای بیان و خلق آثار هنری خود به‌کار می‌گیرد. از جمله این رسانه‌ها، تصویرسازی است. تناولی سال‌هاست که در کنار کار سخت و توانفرسای مجسمه‌سازی با برنز با هنر تصویرسازی به خلق لحظاتی می‌پردازد که شباهت‌های بسیاری به آثار حجمی‌اش دارد. این یعنی محدود نماندن هنرمند در یک رشته خاص و جست‌وجوی بی‌وقفه در حوزه‌های دیگر. کتاب تازه منتشر شده «عجایب عالم» یکی از همین نمونه‌هاست. تناولی به گفته خودش ۱۲ سال پیش گذرش به جمعه‌بازار تهران می‌افتد و پس از دیدن اتفاقی صفحات ورق‌ورق شده کتاب‌های مختلف آنها را می‌خرد. علاقه زیباشناختی و تحقیقی وی باعث شده بود تا به اشیایی که با طلسم‌ها سروکار داشتند توجه نشان دهد و همین علاقه در نهایت آغاز خلق یک مجموعه بی‌نظیر شد:«عجایب عالم» شامل طرح‌هایی است که جدید و معاصرند اما ریشه‌ای عمیق در زمین فرهنگ ایران دارند. تصویرسازی‌های تناولی بر روی این ورق‌ها اکثرا بی‌نام‌ونشان دلالت بر نوعی سوررئالیسم کاملا ایرانی است که نمونه‌اش دیده نشده است.

در برخی دیگر از این تصویرسازی‌ها بیننده آشنا با آثار حجمی تناولی به طور واضح ردپای تمایلات زیباشناختی و موضوعی وی را در هر دو حوزه تصویرسازی و مجسمه‌سازی می‌بیند. مثل «دست شاعر» یا «شاعر و معشوق»، اینها صرفا نمونه‌هایی از این تقارن و پیوند تصویر و حجم است که گویا تناولی در این زمینه، تخصصی جالب‌توجه دارد. متن‌های این اوراق کاملا مبهم و برای خواننده امروزی بیگانه است و صرفا به عنوان فضاسازی موردتوجه تناولی قرار گرفته‌اند و در طراحی تصاویر نقش نوعی راهنمای ترکیب‌بندی را نیز ایفا می‌کنند اما توجه اصلی هنرمند به تصاویر است.

تصاویری که هم شما را به دنیای افسانه‌های کهن و عجایب‌نامه‌های ایرانی می‌برد و هم با برداشتی سوررئالیستی، معاصر بودن خود و ایده‌هایش را نمایان می‌کند. این نمایان‌سازی در چند اثر از جمله در «جنگل بیل» و «کلنگ چهارسر» بیشتر خودنمایی می‌کند، البته نمی‌توان از مجموعه زیبای شیرهای ایرانی تناولی گذشت که تاثیری است از چندین دهه مطالعه و گردآوری‌های وی در زمینه زیراندازهای ایرانی از جمله گبه، گلیم و... که به نقش شیر ایرانی مزین شده است. کتاب عجایب‌نامه دست‌رنج امروز و دیروز تناولی نیست، بلکه بیش از آن نشان‌دهنده قابلیت ترکیب هنر دیروز با امروز است.

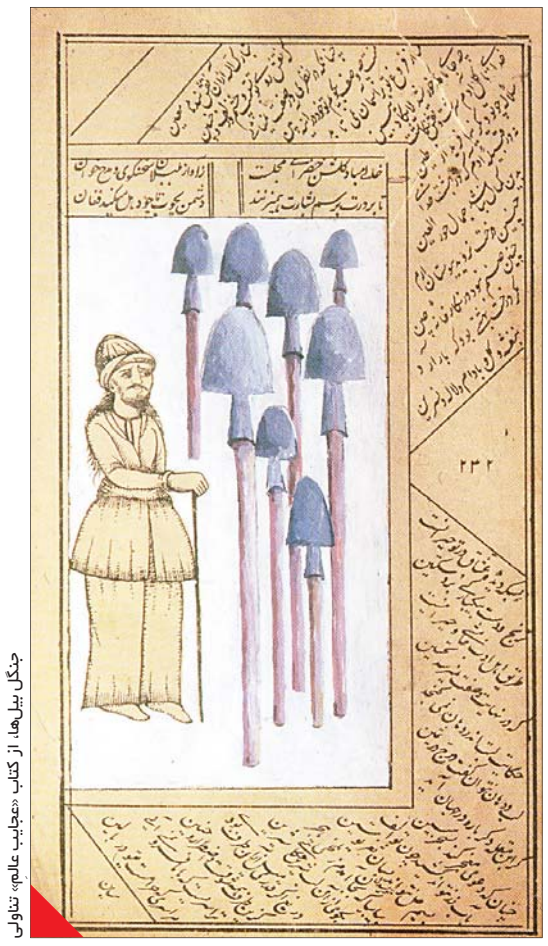

جنگل بیل‌ها، از کتاب «عجایب عالم»، تناولی

عجایب‌عالم
پرویز تناولی
ناشر: بُن‌گاه

نگاهی به «روسلان وفادار» اثر گئورگی ولادیموف

از اردوگاه به خیابان و برعکس

پارسا ریاحی

اردوگاه‌های کار اجباری از جمله مخوف‌ترین و عجیب‌ترین وضعیت‌هایی هستند که در نظام‌های استبدادی سربرآوردند و انسان‌های گوناگونی را بنا به دلایل مختلف در خود جای دادند. اگرچه تاکنون روایت‌های مختلفی از این اردوگاه‌ها و وضعیت حاکم بر آنها شرح داده شده اما «روسلان وفادار» نمونه‌ای قابل‌توجه از این روایت‌هاست؛ روایتی که بیش از هرچیز هویت مفهوم «اجبار و قاعده» را برملا می‌سازد و اینکه چگونه شرایط خفقان خود را در وجود سگ‌های اردوگاه بسط می‌دهد. حکایت نوشته شدن این رمان بسیار تکان‌دهنده است. اردوگاهی در شهرک تیمیر تائو در سیبری، در زمان حکومت خروشچف که معروف به عصر «ذوب شدن یخ‌ها» بود منحل می‌شود. در محل اردوگاه، کارخانه‌ای می‌سازند ولی سگ‌های اردوگاه که بنا بوده طبق دستورالعملی کلی کشته شوند، به دلیل ترحم ماموری زنده مانده، پراکنده شده و اکنون در گوشه‌وکنار پرسه می‌زنند. سگ‌های اردوگاه برچیده شده به‌رغم آنکه به شدت تکیده و نحیف شده‌اند، از هیچ‌کس غذا نمی‌گیرند، کسی جرات ندارد جز از پهلو به آنها نگاه کند و معلوم نیست چطور تا به حال از گرسنگی تلف نشده‌اند. شگفت‌انگیزتر از همه اینکه هرگاه صفوف راهپیمایان به مناسبت اول ماه می در خیابان‌های شهرک به راه می‌افتند، سگ‌ها بلافاصله نقش اسکورت را برعهده می‌گیرند و ستون راهپیمایان را از هرسو محاصره می‌کنند، به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهند از صف خارج شود و با غرش‌های ترسناک، متخلفان را به داخل صف می‌رانند. کار بسیار حرفه‌ای و مطابق با اصل اردوگاهی «نه یک قدم به راست، نه یک‌قدم به چپ، تیراندازی بدون اخطار!». این داستان نه یک افسانه بلکه واقعیتی بود که پرده از نظم آهنین اردوگاه برمی‌داشت. گئورگی ولادیموف، با شنیدن این داستان، روایت خود از سگ اردوگاه را در «روسلان وفادار» به تصویر می‌کشد. این رمان با عنوان فرعی «فاجعه وفاداری در دوران اسارت»، نخستین‌بار در اوایل دهه ۱۹۶۰ به سبک هزل انسان‌نگارانه نوشته می‌شود اما با به پایان رسیدن دوران خروشچف امکان انتشار این اثر هم از بین می‌رود و در نتیجه به صورت «سامی زدات» منتشر می‌شود. اما در اوایل دهه ۱۹۷۰، موسسه‌ای انتشاراتی در فرانکفورت آمادگی خود را برای چاپ این رمان اعلام می‌کند و ولادیموف داستان خود را برای سومین‌بار می‌نویسد. او متن را روی کاغذهای بسیار نازکی ماشین می‌کند و به زوج جوانی از جهانگردان خارجی می‌سپرد تا آن را به غرب برسانند. نیمی از کتاب در تخت کفش زن و نیمی دیگر در آستر کت مرد جاسازی شد. روسلان وفادار در ماه می ۱۹۷۵ در نشریه «گرانی» به نام نویسنده واقعی‌اش چاپ شد و ترجمه آلمانی آن در اکتبر همان سال در نمایشگاه کتاب فرانکفورت عرضه شد. روسلان وفادار تصویر تکان‌دهنده‌ای از واقعیت دوران خویش است و علاوه بر این تحلیلی از شرایط خفقان و موجود دربند ارایه می‌دهد. خفت‌وخواری شخصیت انسان در وضعیتی که هیچ منفذی برای نفس‌کشیدن وجود ندارد در این رمان به تصویر کشیده می‌شود. وضعیتی که حتی روسلان، این سگ اردوگاه را نیز به طرز اعجاب‌آوری تحت انقیاد خویش درآورده است. وقتی اردوگاه برچیده می‌شود و روسلان با خوش‌شانسی کشته نمی‌شود و به بیرون از محیط اردوگاه می‌رود، همچنان در فکر این است که قواعد اردوگاه را در جهان بزرگ‌تر حفظ و اجرا کند. آرزوی او این است که مرزهای اردوگاه را گسترش داد و آن را تا هرکجا که می‌توان پیش برد. او در برابر تغییر زمان و قواعد آن مقاومت می‌کند و تا ثانیه پایانی عمرش منتظر شنیدن فرمان است. روسلان محصول شرایطی است که در آن شر به دست انسان به وجود می‌آید و رشد می‌کند؛ شری که حتی فراتر از مرزهای اردوگاه و حتی در سراسر روسیه وجود دارد. اردوگاه «منطقه کوچک» است و بیرون از اردوگاه «منطقه بزرگ»، اما در هیچ‌کدام زندگی جریان ندارد و همه‌کس، چه در داخل مرزهای اردوگاه و چه بیرون از آن، زندانی به‌شمار می‌روند.

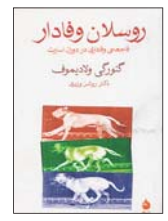

روسلان وفادار
گئورگی ولادیموف
مترجم: روشن وزیری
ناشر: ماهی

مرور

فیلمنامه‌های حسنات

این کتاب منتخبی از فیلمنامه‌های برگزیده دومین جشنواره ملی فیلم کوتاه «حسنات» اصفهان است که به توصیه هیات داوران این جشنواره و به منظور تشویق جوانانی که به این عرصه وارد شده‌اند منتشر شده است. آنگونه که زاون قوکاسیان، دبیر این جشنواره در ابتدای کتاب اشاره کرده، ویژگی این مجموعه در نمونه تجربیاتی است که یک گروه علاقه‌مند به سینما فراهم آورده‌اند. برای اولین‌بار است که جشنواره فیلمی با این سابقه کوتاه، برای فیلمنامه‌نویسی برنامه‌ریزی دامنه‌داری کرده است. با توجه به اینکه تاکنون هیچ مجموعه فیلمنامه‌ای از این دست منتشر نشده است این مجموعه دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشد. از جمله اینکه اکثر فیلمنامه‌نویسان آن از نقاط مختلف ایران هستند، بنابراین با خلق فضاهای متفاوت از اقلیم‌های گوناگون ایران، فیلمنامه‌های کاملا متنوعی آفریده‌اند. دیگر اینکه این فیلمنامه‌ها به علاقه‌مندان امکان می‌دهد در بسترهای تجربه شده دیگر گام نگذارند و سرزمین‌های جدیدی با موضوع‌های متنوع‌تر و جدیدتر کشف کنند و سرانجام این مجموعه خود درسنامه‌ای است برای فیلمنامه‌نویسان جوان. جشنواره ملی فیلم کوتاه حسنات اصفهان، آنگونه که معاون فرهنگی کانون حسنات در این کتاب نوشته است، می‌کوشد «تا فرصت نوینی در اختیار هنرمندان قرار داده تا شکوه زیبا و ستودنی حقیقت احسان و نیکوکاری را به تصویر بکشند... حضور پرشور سینماگران در حیطه تولید و نگارش فیلمنامه و توجه به ضرورت تبیین و ثمربخش بودن این مهم، همگی سبب شد تا این گستره، آکنده از تحرک و پویایی باشد... بی‌تردید این جشنواره می‌کوشد تا مفهوم ژرف و بلند احسان و نیکوکاری را از منظر هنر برای مخاطب ارایه کند. توجه به ظرافت‌ها و نمودار شدن پیام واقعی این مفهوم و چگونگی انتقال آن با گوهر هنر، از رسالت‌های هنرمندان عزیز است که در این راه دیریاب اما ارزشمند گام نهاده و کوشیده‌اند.» این کتاب شامل ۳۵ فیلمنامه است که تنوع ایده‌ها و مضامین داستانی از ویژگی‌های این فیلمنامه‌هاست. ضمن آنکه برخی از فیلمنامه‌های این کتاب، به بعضی فرهنگ و آداب و سنن بومی اقوام مختلف ایرانی که مغفول مانده، توجه کرده‌اند.

فیلمنامه‌های برگزیده دومین جشنواره فیلم کوتاه حسنات
ناشر: نشر نوشته (اصفهان)

نگاه

نگاهی به «جاسوسی که از سردسیر آمد»، نوشته جان لوکاره

از برلین شرقی تا برلین غربی

جواد ماه‌زاده

«جاسوسی که از سردسیر آمد» یک رمان جاسوسی از «جان لوکاره» انگلیسی است که مانند اغلب رمان‌های جاسوسی، به پشت پرده مناسبات سیاسی و کشمکش‌های درون حزبی آلمان شرقی پرداخته و زندگی و دنیای حرفه‌ای جاسوس‌ها و عناصر امنیتی انگلیس و همچنین درگیر شدن آنها را با نظام کمونیستی آن سوی دیوار برلین دستمایه داستان قرار داده است. ایراد بزرگ رمان این است که زیاد داستانی نیست و بیش از حد مستندوار و گزارشی می‌نماید. ازاین‌رو رمان در پاره‌ای بخش‌ها نه تنها مهیج و پرتعلیق نیست بلکه ملال‌آور و زیاده‌گوست. البته جای شکرش باقی است که از اغراق‌های یان فلمینگ‌گونه (خالق رمان‌های جیمز باند) در آن خبری نیست و شخصیت‌هایش از گوشت و استخوان انسان‌های واقعی تشکیل شده‌اند. نقطه اوج رمان در پایان آن است که خواب از سر مخاطب می‌پراند و یکباره به یاد او می‌آورد که در حال خواندن یک رمان جاسوسی است. معمولا نویسندگان داستان‌های جاسوسی، شهرت و ثروت خود را بیشتر مرهون جسارت در پرداختن به مسایل امنیتی و زدوبند با بخش‌هایی از دولت‌ها هستند تا تکنیک‌های رمان‌نویسی و نوآوری‌های ادبی. رمان‌های جاسوسی پس از دوره جنگ سرد رونق بیشتری گرفتند و با توجه به تحولاتی که دنیا – به‌خصوص اروپا و آمریکا - را دربر گرفت، مشتاقان بسیار یافتند. بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، جنگ غرب با بلوک شرق را جنگی اطلاعاتی و امنیتی خواندند و شکست نظام کمونیستی و فروپاشی دیوار برلین را بیش از هر چیز ناشی از برتری اطلاعاتی غرب و سرویس‌های جاسوسی آن دانستند. ازاین‌رو عمده رمان‌هایی که با حضور شخصیت جاسوس‌های خیالی یا شبه‌واقعی نوشته شدند، دوره جنگ سرد را به تصویر کشیده و برتری هوشی و توانایی اطلاعاتی آنها را به رخ دنیا می‌کشند. رمان جان لوکاره نیز از این قاعده مستثنا نیست با این تاکید که در داستان‌گویی روشی گزارشی و رئالیستی را برگزیده است. «جاسوسی که از سردسیر آمد» بیش از آنکه ارزش ادبی و جذابیت روایی داشته باشد، واجد اهمیت تاریخی است. شخصیت «لیماس» محور اتفاقات داستان است؛ جاسوسی که ظاهرا عمر حرفه‌ای‌اش به‌سرآمده، دستاویز بزرگ‌ترها قرار گرفته و وارد یک بازی جاسوسی می‌شود تا دست عناصر خائن و نفوذی را رو کند و سیستم امنیتی آلمان شرقی را به هم بریزد. یکی از نکات مثبت رمان، مجالی است که نویسنده به شخصیت‌هایش می‌دهد تا فارغ از زندگی جاسوسی، به معنی واقعی به زندگی بیندیشند و عواطف و احساسات خود را بروز دهند و حتی تضاد احساسات انسانی را با وظایف حزبی و سیاسی به تصویر بکشند. در پایان رمان مشخص می‌شود که همه افراد درگیر یک جاسوس‌بازی بوده و همگی فدای اهداف سیاسی حزب یا دولت متبوع خود بوده‌اند؛ اهدافی که لزوما با احساسات انسانی همخوان نیست و در جاهایی مرگ و کشتن انسان‌ها را مجاز و بلکه مطلوب می‌شمارد. رمان در پرداختن به رویدادهای آن دوره تاریخی، زیاد خودش را درگیر نمی‌کند و اشاره‌اش به وقایع جنگ سرد، اوضاع داخلی فرانسه و تزلزل ژنرال دوگل و... بسیار کوتاه و گذراست. در عوض آنچه بیشتر مورد توجه نویسنده قرار داشته، فرجام شخصیت‌های اصلی و فردیت آنها بوده است که شمه‌ای از ویژگی‌های جاسوس‌ها را - که ابزار دست مافوق هستند- ارایه داده است.

جاسوسی که از سردسیر آمد
جان لوکاره
ترجمه فرزاد فربد
انتشارات جهان کتاب

در زندگی این آدم‌ها دروغ مجاز است و حتی روشی برای کسب اطلاعات محسوب می‌شود، زندگی با نام و مدرک جعلی، جزیی انفکاک‌ناپذیر از سبک زندگی آنهاست که این موضوع هویت و فردیت آنها را کاملا زایل کرده و ایشان را تبدیل به شیئی در خدمت سیستم کرده است. آنها هضم و جذب در هدف شده‌اند و به انسانی یا غیرانسانی بودن عمل و رفتارشان اهمیتی نمی‌دهند؛ حال می‌خواهد این هدف محترم باشد یا کسب ثروت و مدارج مدیریتی. آنها در مواقع لازم رئوف جلوه می‌کنند و در مقاطع دیگر خطرناک و خشن هستند و این تغییرات و بی‌ثباتی‌ها دلیلی ندارد مگر بی‌هویتی، از دست دادن فردیت و تعلق تام به سیستم. از آنجا که آنها وابسته به قدرت هستند احساس قدرت می‌کنند و چون خود را قدرقدرت می‌دانند، ترس از پیدا شدن رقیب، افتادن به ورطه حضیض و تبدیل شدن به مهره‌ای سوخته در سیستم یک لحظه آنان را رها نمی‌کند. البته جان لوکاره درون‌کاوی چندانی در آدم‌هایش نمی‌کند و بیش از بازگشایی روان آنها درگیر قصه و جاسوس‌بازی پیچ‌درپیچی است که برای رمانش درنظر گرفته است. پایان‌بندی رمان او شبیه خیلی از فیلم‌هایی است که تاکنون درباره فرار از دیوار برلین دیده‌ایم. یک پایان‌بندی تراژیک و عبرت‌انگیز که با بازگشت لیماس به خوی انسانی و سوی فردیتش همراه است اما دیگر دیر شده و او همه چیزش را از دست داده و خود نیز در شرف نابودی است. رمان با همه ضعف‌هایی که دارد، برتری‌هایی نسبت به سایر رمان‌های جاسوسی دارد که از توجه نویسنده به شأن و شرافت انسانی و پرهیزش از شعارهای سیاسی برمی‌گردد. فرزاد فربد ترجمه خوبی از کتاب به دست داده ولی ترجمه روان او قادر به عمق بخشیدن به رمان و پوشاندن ضعف‌های اثر نیست.

عطف کتاب

شاعر جنبش دانشجویی

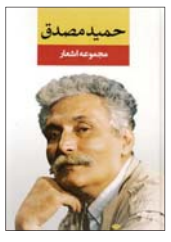

مجموعه اشعار حمید مصدق به تازگی از سوی نشر نگاه در مجموعه اشعار شاعران معاصر منتشر شده است.«حمید مصدق» کودکی خود را در اصفهان گذراند و در زمان تحصیلات پیش از دانشگاه همدوره چهره‌هایی چون هوشنگ گلشیری، بهرام صادقی، منوچهر بدیعی و محمد حقوقی بوده است. همچنین او در زمان تحصیلات دانشگاهی‌اش در دانشکده حقوق همدوره محمدعلی سپانلو بوده است. بسیاری از جمله سپانلو شعر حمید مصدق را شعر جنبش دانشجویی می‌دانند و به عبارتی مصدق را شاعر نسل جوان به شمار می‌آورند چرا که برخی شعارهایی که در میان جنبش دانشجویی استفاده می‌شده برآمده از اشعار مصدق بوده و نیز برخی شعرهای او به صورت سرودهای اعتراضی در دوران پیش از انقلاب اجرا و منتشر شده است. شاید بیشترین مصداق این ویژگی را بتوان در دومین دفتر شعر مصدق که اتفاقا موجب شهرت او نیز شد، بیابیم. او در سال ۱۳۴۳ با انتشار دفتر «آبی، خاکستری، سیاه» در سطح جامعه مطرح شد و برخی اشعار این دفتر هنوز هم از مشهورترین شعرهای مصدق به شمار می‌روند.

جدول ۱۶۷۷

افقی:

۱ - بد فرجام - بوییدن ۲ - طلیعه اعداد - مظهر مکر و حیله - مغناطیس ۳ - جسد حیوان مرده - شیرینی تولد - شاهد ۴ - دوری و هجران - میدان‌ها - شهر همدان ۵ - شهر ابراهیم (ع) - از واژگان پرسشی - نام دیگر بلدرچین - شمای بیگانه ۶ - دوستی - بزرگان - کسی که در جنگ با گاو، گاو را بکشد ۷ - کشوری در قاره کهن - جانوران بیابانی - نوعی شیرینی ۸ - تاثیر - نیم‌تنه زنانه - بندر پاکستان ۹ -نفس غنیمتی - خدای انگلیسی - دارایی کسی ۱۰ - شهری در آذربایجان غربی - خدای تجارت و سفر یونان باستان - کلمه پرسشی ۱۱ - دهن‌کجی - همه دارند - پدر - محافظ چشم ۱۲ - عارضه‌ای در پوست - کشوری در شمال کاراییب - دوات ۱۳ - جهان - دیدن نیمه‌کاره - مسرور ۱۴ - کوشیدن - نشت کردن - شیوه و شگرد ۱۵ - قدرتمند - بازخواست

عمودی:

۱ - اثری از آلبرتو مور اویا - صندوقی که در آن یخ بگذارند ۲ - راندن بی‌ادبانه - شهری در استان هرمزگان - واسطه ۳ - شهری در فارس - قوه حافظه - واحد مایعات ۴ - شهر استان مرکزی -رشته کوهی در پاکستان - غزال ۵ - دانه‌های ریز پوست - تواضع - هر فصل کتاب - ازالفبای انگلیسی ۶ - مایه حیات - از نوشت افزار - از اشعه‌ها - رود شولوخف ۷ - مرغ خانگی - خاطر - نفس خسته ۸ - فیلمی به کارگردانی محمد درمنش - فرزند - نوعی نان فرانسوی ۹ - مجموعه‌ای از نشانه‌های ارتباطی - سنگ آزمون - قبیله یمن ۱۰ - پسوند شباهت - آهسته و آرام - چاشنی صبحانه - دومین دورقمی ۱۱ - انتها، آخر - سرایت آب از چیزی به چیز دیگر - ویرگول - گستاخ ۱۲ - شوخ - قالب صنعتی - کارگر کشتی ۱۳ - مطالعه اجمالی - نوعی نمایش - همنشین تار ۱۴ - جمع ابزار - پرستو - کلمه پرسش ۱۵ - ماه شب اول - بازیگر زن « دیوانه‌ای از قفس پرید »

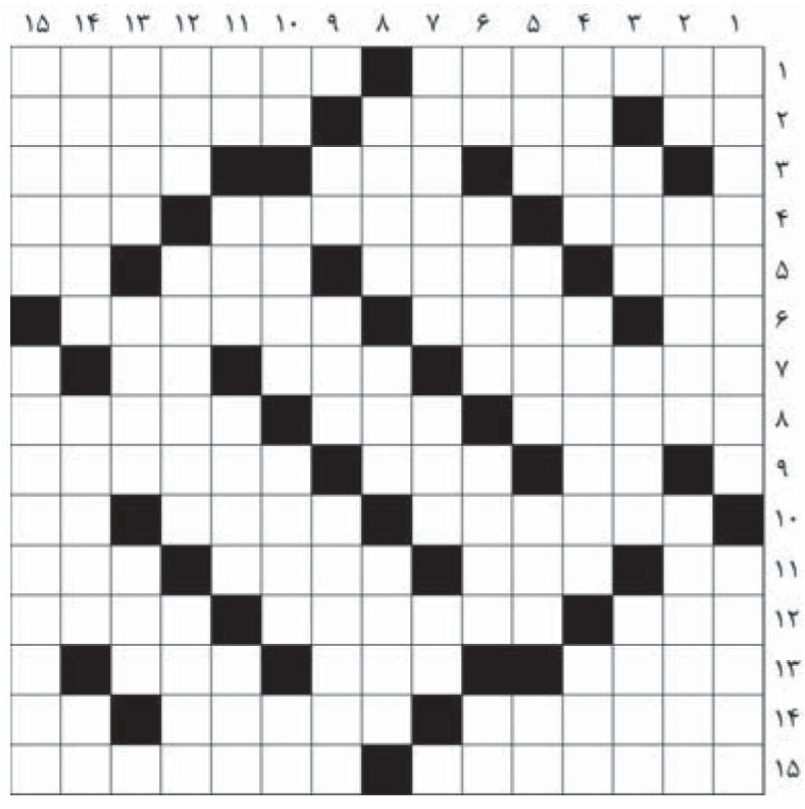

جدول ۱۶۷۶

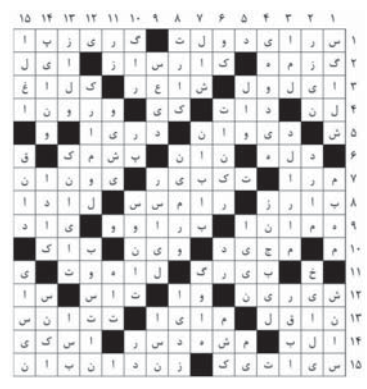

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۳۲۹

۴	۵	۱					۸	
۹			۱			۵		۳
۳		۸	۲		۵			
۱		۳		۲				
		۷				۶	۹	
۵			۴			۳		
			۷				۶	۲
۷						۸		۴
۶			۹		۴			

حل سودوکو سخت

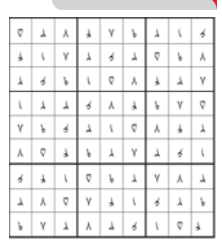

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۶۸۰

۴	۲		۶			۳		
	۷		۴	۲		۹	۶	۱
۹	۸		۱		۵	۲		۴
۲			۸	۵				۶
		۷			۳	۵		۸
	۵	۴			۱			۳
		۸		۹				۷
۷	۱	۲					۳	۹
				۱	۶		۴	

حل سودوکو ۶۷۹

۲	۵	۶	۷	۸	۴	۳	۹	۱
۹	۴	۱	۵	۳	۲	۸	۷	۶
۸	۳	۷	۹	۶	۱	۴	۵	۲
۴	۷	۳	۸	۹	۶	۱	۲	۵
۶	۲	۹	۱	۴	۵	۷	۸	۳
۵	۱	۸	۳	۲	۷	۶	۴	۹
۳	۸	۲	۴	۱	۹	۵	۶	۷
۱	۶	۵	۲	۷	۸	۹	۳	۴
۷	۹	۴	۶	۵	۳	۲	۱	۸